

# سرچشمه‌های پیشامدرن لیبرالیسم

سعید قاسمی نژاد



لیبرالیسم سنتی گسترده، متنوع و متکثر است که در طول حیاتش دچار قبض و بسطها و تعدیل‌های فراوان شده است. مرزهای لیبرالیسم امروزه از جمع‌گرایی تعدیل شده تا فردگرایی

پیشرفت‌پذیر هستند. کسی چون فرید ذکر یا گوهر اساسی لیبرالیسم را حکومت قانون<sup>۱</sup> می‌داند. ژرژ بوردو<sup>۲</sup> سه اصل اساسی لیبرالیسم را فردباوری، خوش‌بینی و خردباوری می‌داند. لیبرال‌های فایده‌گرا اصل اساسی لیبرالیسم را بیشینه شدن سود و لذت برای فرد انسانی می‌دانند و ... اگر بخواهیم مخرج

مشترکی از این اصول بگیریم می‌توانیم از فردگرایی، حکومت قانون، برابری حقوقی و اقتصاد آزاد به عنوان اصول اساسی لیبرالیسم نام ببریم.

اما ریشه‌های تاریخی لیبرالیسم در کجا است؟ چنان که گری می‌گوید اولین بار در سال ۱۸۱۲ بود که حزبی در اسپانیا نام خود را لیبرال نهاد. لیبرالیسم اما ریشه‌هایی عمیق‌تر در تاریخ دارد. دستگاه فکری لیبرالیسم کلاسیک در جنبش روشنفکری اسکاتلند پیرو شده و آدام اسمیت از «طرح لیبرالی برابری آزادی و عدالت» سخن گفت. (۱) لیبرالیسم ریشه‌هایی بس عمیق‌تر در تاریخ دارد. جان سالوین شاپیر در کتاب از جمنش «لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن»<sup>۶</sup> می‌گوید «سقراط یکی از لیبرال‌های برجسته‌ی دوران باستان است که زندگی و مرگش گواه بارز اعتقادش به آزادی تحقیق و بیان است.» این سخن البته جای شک و تردید دارد و اگر سقراط را به عنوان کسی که معتقد به اخلاق لیبرال است در نظر بگیریم در نسل کبیر یونان و دموکراسی

آتین می‌توانیم بنیانگذاران لیبرالیسم کنونی را مشاهده کنیم. نسل کبیر یونان مفاهیم برابری حقوقی شهروندان، قرارداد و جهان‌شمولی عقل را به لیبرالیسم کنونی هدیه داده است.

به بار آوردن آن کاشته شده بود. در مورد این که هسته سخت و اصول مشترک میان این لیبرالیسم‌ها چیست نظرات متفاوتی ابراز شده است. کسانی چون موریس کرانتون معتقدند که «بنا به تعریف، لیبرال کسی است که به آزادی باور دارد»<sup>۲</sup> جان گری معتقد است که همه مکاتب لیبرالی چهار وجه مشترک دارند.

او در کتابش با عنوان لیبرالیسم<sup>۳</sup> بیان می‌کند که این چهار ویژگی به ترتیب چنین هستند. اول فردگرایی (individualism) به معنای برتری اخلاقی در برابر هرگونه ادعایی از سوی جمع. دوم برابری خواهی (egalitarianism) حقوقی و سیاسی. سوم جهان‌شمولی (universalism) که بر وحدت اخلاقی نوع انسان تأکید می‌کند

افراطی، از مدرنیسم تا محافظه‌کاری و از دین‌گریزی تا دین‌داری گسترانیده شده است. از این رو امروزه می‌بایست از لیبرالیسم‌ها سخن گفت و نه از لیبرالیسم. گونه‌های مختلف لیبرالیسم هم چون لیبرالیسم کلاسیک، سوسیال لیبرالیسم، اردولیبالیسم، لیبرالیسم محافظه‌کارانه، نومحافظه‌کاری و ... هر یک در پاسخ به مشکلی معین، در زمانی معین و در جغرافیایی معین پدید آمده‌اند. این گسترده‌گی مرزهای لیبرالیسم، لیبرالیسمی که اینک چون حلالی قوی تمامی رقبا را در خود حل کرده است و چون سوارکاری قهار بر تمامی اسب‌های سرکش و وحشی لگام زده است به ما جسارت می‌بخشد تا اعلام کنیم «لیبرالیسم تنها گزینه‌ی ممکن است و جوامع، حتا آن‌هایی

که هویت خود را در تنازع با این ایده تعریف کرده‌اند، دیر یا زود، ناگزیر از سلام یا تسلیم‌اند.»<sup>۱</sup> در حقیقت امروز بیش از پیش می‌توان اعلام کرد که لیبرالیسم آن انسان بالغی است که نوزاد مدرنیته از بدو تولد

«این گسترده‌گی مرزهای لیبرالیسم، لیبرالیسمی که اینک چون حلالی قوی تمامی رقبا را در خود حل کرده است و چون سوارکاری قهار بر تمامی اسب‌های سرکش و وحشی لگام زده است به ما جسارت می‌بخشد تا اعلام کنیم لیبرالیسم تنها گزینه‌ی ممکن است.»

و تفاوت‌های فرهنگی را در مرتبه دوم می‌نشانند و چهارم بهبودگرایی (meliora-ism) که قائل به این است که همه نهادهای اجتماعی و تربیاتی سیاسی قابل اصلاح و

و در کشاکش و نزاع با ارتجاع مذهبی، محافظه‌کاری، سوسیالیسم و ... قصد تبدیل شدن به آن را داشته است. لیبرالیسم از این منظر میوه‌ای است که درخت مدرنیته برای

در فرهنگ سرای ابن سینا برگزار می‌کند. نشست‌های هفته‌گی در چهارشنبه‌ها ساعت ۱۶ تا ۱۸  
بررسی فرهنگ، هنر و تاریخ ایران باستان همراه با شاه‌نامه‌خوانی

شهرک قدس - فاز یک - انتهای خیابان ایران زمین شمالی - فرهنگ سرای ابن سینا تلفن: ۸۸۰۸۸۳۰۱

شهروندی به معنای امکان محاکمه در یک دادگاه قانونی بود که به عمومی و همه‌گانی کردن عدالت می‌پرداخت. حقوق رومی پنج منبع داشت، اول **leges دوم** توصیه‌های سنا سوم منشورهای پراتوری **چهارم** قواعد موضوعه امپراتوران و **پنجم** نظرات قضایی حقوقدانان. این قوانین جامع زمینه‌های لازم برای آنچه حکومت قانون نامیده می‌شود

چنان که پوپر بیان می‌کند سوفستاییان نخستین کسانی بودند که تفاوت میان قوانین طبیعی و قوانین دستوری (قراردادی) را مورد توجه و تأکید قرار دادند. سوفستاییان با تأکید بر نقش عقل و اراده در سامان دادن جهان مفهوم قرارداد اجتماعی را بنیان‌گذاری کردند که بعدها در فلسفه هابز و لاک وجه اساسی و ممیزه لیبرالیسم تبدیل

شد. پوپر پروتاگوراس را نخستین طرف‌دار این نظریه می‌داند. ارستو از لیکوفرون سوفستایی نقل قول می‌کند که قرارداد مبنای قانون و دولت است و تنها غایت قانون حفظ فرد و امنیت او است. دیگر هدیه‌ی آتن به لیبرالیسم برابری حقوقی بود. آنتیفون از نخستین کسانی بود که قرائتی برابری خواهانه و انسان‌دوستانه مبتنی بر اصالت طبیعی زیست‌شناختی ارائه کرد. به همین‌گونه هیپاس و اوریبیدوس نیز از تساوی‌طلبی دفاع می‌کردند. چنان‌که اوریبیدوس می‌گوید: «هیچ‌کس طبیعتاً برده نیست.» اما برابری حقوقی بهترین توصیفش را در کلام یافت آن‌جا که می‌گوید: «اگرچه تنها عده‌ای اندک ممکن است مبدع سیاستی باشند ما همه می‌توانیم درباره آن داوری کنیم.»

را فراهم می‌کرد. مالکیت خصوصی به عنوان یکی از اصول موضوعه‌ی لیبرالیسم به خوبی در روم مورد احترام و محافظت قرار داشت و قانون قانونی جامع و کامل بود. روم دارای سیستم پیشرفته و گسترده‌ای از بازرگانی و صرافی بود که قانون، جامعی برای تجارت را فراهم آورد.

«در حقوق رومی ما شاهد بنیان گذاشته شدن جامعه بر مبنای حقوق اساسی مبتنی بر حقوق خصوصی هستیم، بسیاری از ویژه‌گی‌هایی که امروز به عنوان حکومت قانون و یا ویژه‌گی‌های یک دستگاه قضایی لیبرال می‌شناسیم برگرفته از حقوق و سنت رومی هستند.»

مسئله‌ی بنابر ذات خود مقداری تحت‌تأثیر سنت یونانی - رومی از سویی مفهوم آزادی وجدان و فردگرایی و از سویی دیگر جدایی نهاد دین از نهاد دولت را برای لیبرالیسم به یادگار گذاشت. آن‌جا که مسیح کار خدا را به خدا و کار قیصر را به قیصر وا می‌گذارد و جدایی نهاد دین از نهاد دولت را بنیان می‌نهد و لوتر با تأکیدش بر بازگشت به کتاب مقدس و ارتباط بی‌واسطه‌ی انسان مسیحی با خدا فردگرایی را تقدس بخشید و با تأکیدش بر آبادانی این جهان را بر عروج سرمایه‌داری گشود. لاک را باید مسیحی‌ترین لیبرال تاریخ دانست. لاک در «نامه‌ای در باب تساهل» استدلال‌هایی مبتنی بر سنت مسیحی ارائه می‌دهد و بر آن مبنا به دفاع از تساهل می‌پردازد. این‌ها سه سرچشمه‌ی ماقبل مدرن لیبرالیسم کنونی هستند. سه سرچشمه‌ای که لیبرالیسم امروزی را با ژرفای تاریخ پیوند می‌زنند. ■

ریشه‌های رومی - مسیحی لیبرالیسم جمهوری روم و حقوق رومی یکی دیگر از منابع و سرچشمه‌هایی است که موجب تناور شدن درخت لیبرالیسم گشته است. در حقوق رومی ما شاهد بنیان گذاشته شدن جامعه بر مبنای حقوق اساسی مبتنی بر حقوق خصوصی هستیم. بسیاری از ویژه‌گی‌هایی که امروز به عنوان حکومت قانون یا ویژه‌گی‌های یک دستگاه قضایی لیبرال می‌شناسیم برگرفته از حقوق و سنت رومی هستند. این حقوق رومی بوده است که مفهوم شهروند به لیبرالیسم اعطا کرده است. شهروند رومی نوع تکامل یافته‌ی شهروند یونانی است شهروند رومی شهروند یک امپراتوری بود و نه یک روان‌شهر کوچک. شهروندان عبارت بودند از «همه مردان بیش از پانزده سال که نه بنده باشند و نه بیگانه، و همه‌ی بیگانه‌گانی که مقام شامندی یافته باشند»<sup>۷</sup> چنان‌که ویلفرد نیپل در مقاله‌ی «جمهوری‌خواهی باستان و مدرن» منتشر شده در کتاب ابداع جمهوری مدرن اثر بیانکا ماریا فوتانائو<sup>۸</sup> می‌گوید: «حقوق رومی یک حقوق اساس مختلط بود. یعنی نوعی تعادل بین اشراف و توده‌ها به وجود می‌آورد» علی‌ایحال مفهوم شهروند مفهومی رومی است. پروکاتیو (povcatio) یا حقوق دفاع

- زیر نویس:
- ۱- در دفاع از سیاست، مرتضی
  - ۲- لیبرالیسم، دایره‌المعارف فلسفی استنفورد، جرالداگادس
  - ۳- لیبرالیسم، جان‌گری، ترجمه محمد سارچی
  - ۴- آینده آزادی، فرید ذکریا، ترجمه امیرحسین نوروزی
  - ۵- لیبرالیسم، ژرژ بوردو، ترجمه عبدالوهاب احمدی
  - ۶- لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن جان سالوین شاپیرو، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی
  - ۷- تاریخ تمدن ویل دورانت، قیصر
  - ۸- ابداع جمهوری مدرن، بیانکاماریا فوتانائو، محمدعلی موسوی